

دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان‌ها، درس هشتم، پیوستن به جنبش اصلاحات، شهادتی مداوم © 2024 کوین فردریک و تد هیلدبرانت

این دکتر کوین فردریک است که در حال تدریس تاریخ والدنسیان است. این جلسه هشتم، پیوستن به جنبش اصلاحات، شهادتی مداوم است.

عنوان موعظه امروز ما، «شاهدی مداوم» است و به موضوع والدنسیان‌ها می‌پردازد، زمانی که با سنت اصلاح‌شده از ژنو، سوئیس، ادغام شدند.

اما به عنوان مبنایی برای این مطالعه، ابتدا به انجیل‌ها یا به کتاب مقدس، و به ویژه به نامه پولس به مردم، تسالونیک، و نامه دوم، که از فصل اول و آیه اول شروع می‌شود، می‌پردازیم. پولس، سیلوانوس و تیموتائوس به کلیسای تسالونیکیان، در خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح، فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح بر شما باد. برادران و خواهران، ما باید همیشه خدا را برای شما شکر کنیم، همانطور که شایسته است، زیرا ایمان شما به وفور در حال رشد است و عشق هر یک از شما به یکدیگر در حال افزایش است.

بنابراین، ما خود در میان کلیساهای خدا به خاطر پایداری و ایمانتان در طول تمام آزارها و رنج‌هایی که متحمل می‌شوید، به شما افتخار می‌کنیم. این گواه دآوری عادلانه خداست و هدف آن این است که شما را شایسته پادشاهی خدا کند، پادشاهی‌ای که شما نیز برای آن رنج می‌برید. زیرا به راستی از جانب خداست که کسانی را که شما را رنج می‌دهند، با رنج مجازات کند و به رنج‌دیدگان و همچنین به ما آرامش بخشد، هنگامی که خداوند عیسی از آسمان با فرشتگان قدرتمند خود در آتش شعله‌ور ظاهر شود و از کسانی که خدا را نمی‌شناسند و از کسانی که انجیل خداوند ما عیسی را اطاعت نمی‌کنند، انتقام بگیرد.

اینها به کیفر هلاکت ابدی دچار خواهند شد، از حضور خداوند جدا و از جلال قدرت او دور خواهند بود، هنگامی که او می‌آید تا توسط مقدسینش جلال یابد، و در آن روز در میان همه کسانی که ایمان آورده‌اند شگفت‌زده شوند، زیرا شهادت ما به شما باور شده است. برای این منظور، ما همیشه برای شما دعا می‌کنیم و از خدای خود می‌خواهیم که شما را شایسته دعوت خود گرداند، و با قدرت خود هر عزم نیکو و عمل ایمانی را، به انجام رساند تا نام خداوند ما عیسی در شما و شما در او، بر اساس فیض خدا و خداوند عیسی مسیح، جلال یابد. این کلام خداوند است.

خدا را شکر. ویلیام فاکنر نویسنده‌ی جنوبی تمام‌عیار قرن بیستم است. او در داستان‌هایش، عمیقاً به تأثیرات جنوب پیش از جنگ داخلی آمریکا و تأثیر آن بر هویت جنوبی توجه می‌کند و نسل‌های زیادی از مردم سفیدپوست، سیاه‌پوست و بومیان آمریکا را بررسی می‌کند.

در رمان «مرثیه برای یک راهبه» که در اواخر دوران کاری‌اش در سال ۱۹۵۱ منتشر شد، با دقت و فصاحت می‌نویسد که گذشته هرگز نمی‌میرد؛ حتی گذشته هم نیست. این کلمات امروز به همان اندازه که ۶۵ سال پیش توسط فاکنر نوشته شده بودند، به ویژه در این روز که ما یکشنبه اصلاحات را جشن می‌گیریم، صادق به نظر می‌رسند. پولس رسول در نامه‌ای به جامعه مسیحی تسالونیک، آنها را به عنوان جامعه‌ای وفادار و پایدار توصیف می‌کند، حتی با وجود اینکه در مواجهه با تهدید قابل توجه آزار و اذیت استقامت نشان دادند.

پولس برای آنها می‌نوشت تا به آنها کمک کند تا به عنوان یک قوم ایمان، رنج‌های خود را تفسیر کنند. اما پولس همچنین سعی داشت تصویر بزرگ‌تری از چگونگی تسلی خداوند در مصائبشان ارائه دهد، و به آنها گفت که خداوند همچنین کسانی را که باعث رنج جامعه ایمانی شده‌اند، مجازات خواهد کرد. آزار و اذیت نیز از مضامین برجسته تاریخ ۸۵۰ ساله والدوسیایان است.

با درس گرفتن از گذشته‌مان به عنوان پرسبیتی‌های والدنسی، هویت خود را در زمان حال شکل می‌دهیم و، ندای خود را به عنوان رهبران خدمتگزار در زمان و مکان خودمان درک می‌کنیم. در این یکشنبه اصلاحات، برخی از شباهت‌های مهم تاریخی و الهیاتی وجود دارد که باید به عنوان والدنسی‌ها و پرسبیتی‌ها بررسی کنیم زیرا ما در سنت اصلاح‌شده مسیحیت و این جماعت با هم پیوند خورده‌ایم. دو مورخ برجسته که به طور گسترده در مورد تاریخ والدنسی‌ها نوشته‌اند، ایوان کامرون و گابریل اودیسیو هستند.

آنها آغاز اصلاحات قرن شانزدهم و تصمیم کشیشان والدنسیان، رهبرانی که آنها را باریاس یا عموها می‌نامیدند، برای پیوستن به اصلاحات در سال ۱۵۳۲ را به عنوان نشانه‌ای از پایان جنبش والدنسیان می‌دانند. استدلال آنها مبتنی بر تصمیمی است که در آن جلسه شورای کلیسای والدنسیان باربا در سال ۱۵۳۲ گرفته شد تا بسیاری از اعمال و سازمان‌ها را به عنوان یک جامعه مذهبی کنار بگذارند تا به جنبش اصلاح‌شده بپیوندند. ویژگی‌هایی که آنها در آن زمان از گذشته باستانی خود کنار گذاشتند شامل موارد زیر بود:

عمل موعظه سیار آنها توسط باریاها انجام می‌شد که به صورت دو نفره سفر می‌کردند و انجیل را به زبان مردم ترجمه، تفسیر و موعظه می‌کردند. عمل باریاها در اتخاذ نذر فقر و تجرد. پابندی آنها به تفسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس.

گردهمایی‌های مخفیانه آنها در خانه‌های اعضا. مواضع الهیاتی آنها در مورد مسائل مختلف، مانند سوگند خوردن، مجازات اعدام و اعتقاد آنها به هفت آیین کاتولیک رومی. عمل آنها مبنی بر اینکه هر پیرو والدوسی سالانه گناهان خود را به باریاها اعتراف می‌کند تا به کشیش کاتولیک.

هر یک از این ویژگی‌های پیش از اصلاحات، والدوسیایان را به عنوان جامعه‌ای از مسیحیان تعریف می‌کرد که بیشتر بر عمل خدمت متمرکز بودند تا پابندی به یک سیستم اعتقادی توسعه‌یافته. اما با همسو شدن با کلیسای اصلاح‌شده سوئیس در قرن شانزدهم، اکثر اعضای باریاهای والدوسی در چانفوران در سال ۱۵۳۲ همه این ویژگی‌های تعریف‌شده را به جز یکی، کنار گذاشتند و با پابندی به شکلی سیستماتیک از آموزه‌های اصلاح‌شده همراه با ساختار سازمانی اصلاح‌شده آنچه که به معنای کلیسا بود، جایگزین کردند. تنها ویژگی‌ای که پس از پیوستن به اصلاحات ادامه یافت، ترجمه، تفسیر و اعلام انجیل به زبان مردم بود.

در مقابل، کلیسای اصلاح‌شده‌ی جدید والدنسی بر اساس مفاهیم زیر ساخته شد: اجتماعات عبادت‌کننده در ساختمان‌های کلیسایی ثابت گرد هم می‌آیند. به جای یک کشیش سیار، کشیشان محلی را به جوامع خاص اختصاص می‌دهند.

انتخاب بزرگان حاکم از هر جماعت که در مورد کلیسای محلی و خدمت آن تصمیم‌گیری می‌کردند. کنار گذاشتن تمرکز انحصاری بر تفسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس و اتخاذ روشی برای تفسیر متون عهد عتیق و جدید از طریق لنز شهادت خدا از طریق عیسی مسیح و از طریق سایر اشکال پیچیده‌تر انتقادات ادبی و تاریخی که در طول اصلاحات آغاز به توسعه کردند. اگرچه اکثریت باریاهای والدوسی در سال ۱۵۳۲ به نفع پیوستن به اصلاحات رأی داده بودند، اما اقلیت قابل توجهی، عمدتاً از باریاهای مسن تر، با رأی به پیوستن به اصلاح طلبان سوئوسی مخالف بودند.

در سال‌های بلافاصله پس از چانفوران، هنگامی که بارها شروع به اشتراک گذاشتن اخبار تصمیم خود با پیروانشان کردند، با مخالفت سرسختانه‌ای نسبت به این تغییرات رادیکال در جوامع خود مواجه شدند. هویت قوم والدنسیان عمیقاً توسط رهبری سیار رهبران مجردشان به مدت ۳۵۰ سال تعریف شده بود و آنها پذیرای تغییرات رادیکالی که بارها اتخاذ کرده بودند، نبودند. دهه‌ها طول کشید تا اکثر اعضای قوم والدنسیان الهیات و کلیساشناسی اصلاح‌طلبانه را بپذیرند.

تا سال ۱۵۵۵ طول کشید تا اولین ساختمان کلیسای والدنسیان در روستای پرالگیگو ساخته شود، و تا دهه طول کشید تا مطالعات کاتکتیکی اصلاحات برای آموزش اعضای کلیساها معرفی شود. واضح است که ۱۵۶۰ یک تغییر اساسی در عمل و باور وجود داشت که برای همیشه تبار والدنسیان را از یک جایگزین منحصر به فرد برای کلیسای کاتولیک رومی به کلیسایی که منعکس کننده آموزه‌ها و اعمال کلیسای اصلاحات بود، تغییر داد. از منظر کلامی و کلیسایی، آن ویژگی‌هایی که تبار والدنسیان را قبل از اصلاحات بسیار منحصر به فرد می‌کرد، دیگر وجود نداشتند.

آردیسیو موافقم که سهم بی‌نظیر والدنسیان پیش از اصلاحات در مسیحیت به پایان رسیده است. با این حال، این بدان معنا نیست که شهادت بی‌نظیر والدنسیان در سال ۱۵۳۲ به پایان رسید. من معتقدم که آزار و اذیت‌هایی که آنها با آن مواجه بودند، همچنان والدنسیان را به شیوه‌ای متفاوت از سایر گروه‌های کلیسای اصلاحات تعریف می‌کرد.

این باور که شاهدان والدنسیان پس از پیوستن به اصلاحات مذهبی از بین رفتند، نقش آزار و اذیت‌های مداوم والدنسیان توسط کلیسای کاتولیک روم در طول اصلاحات متقابل را که از اوایل دهه ۱۵۴۰ در مرندال فرانسه آغاز شد و در کالابریا ایتالیا تا آغاز قرن هجدهم ادامه یافت، در نظر نمی‌گیرد. در سراسر اروپا، تأثیر اصلاحات متقابل کاتولیک اغلب بیش از هر گروه پروتستان دیگری بر جوامع والدنسیان متمرکز بود. در طول اصلاحات متقابل، والدنسیان‌های ساکن در کوه‌های آلپ کوتیان، در مواجهه با موج‌های پی‌در پی آزار و اذیت، سازمان‌یافته‌ترین و سرسخت‌ترین شاهدان والدنسیان باقی ماندند.

آنها به عنوان منبع قدرت و پشتکار، به گذشته نگاه می‌کردند و به شهادت وفادار اجدادشان که مدت‌ها پیش به دست آورده بودند، متوسل می‌شدند و به درستی و وفاداری دعوت خود به عنوان بازماندگان وفادار خدا در مواجهه با شر ایمان داشتند. با وجود حملات مکرر و سازمان‌یافته کلیسای روم با همکاری نیروهای فرانسوی و ساوویارد برای نابودی آنها در سرزمین‌های کوهستانی‌شان در قرن هفدهم، آنها هرگز به طور کامل از بین نرفتند. عوامل متعددی منجر به بقای آنها شد، از جمله دورافتادگی سرزمین‌های والدنسیان، همراه با مزیت دفاعی آنها از نظر جغرافیایی در ارتفاعات بالاتر آلپ، تاکتیک‌های جنگ چریکی بومی آنها و ایمانشان به حضور خدا در کنارشان برای هدایت آنها به آینده.

این عناصر در کنار هم، ریشه‌کن کردن کامل آنها را حتی برای قوی‌ترین ارتش‌های اروپا عملاً غیرممکن ساختند. فرمان‌های مکرری که جابجایی آنها را محدود می‌کرد، انزوای آنها را به عنوان یک قوم برای صدها سال تقویت کرد و توانایی همه، به جز تعداد کمی از والدوسیایی‌ها، را برای دسترسی به آموزش عالی محدود نمود. این امر به عنوان گتوسازی والدوسیایی‌ها شناخته شد و تا اواسط قرن نوزدهم واقعاً تغییر نکرد.

قرن‌ها آزار و اذیت و انزوا، آنها را به ابراز مخفیانه ایمانشان سوق داد و آنها را مجبور کرد از ترس لو رفتن و شکنجه شدن، پنهان شوند و در خفا عبادت کنند. این تهدید مداوم، آنها را نسبت به بیگانگان بسیار مشکوک کرد و در طول قرن‌ها، آنها بیشتر و بیشتر به درون خود متمرکز شدند. با این حال، اگر بخواهیم مثبت بگوییم، این انزوا باعث ایجاد یک جامعه بسیار منسجم، متحد و خودکفا از مؤمنانی شد که با سرسختی شدیدی به ایمان و آداب و رسوم خود پایبند بودند.

هیچ مدرک قابل توجهی وجود ندارد که نشان دهد بارباها پس از پیوستن به جنبش اصلاحات در سال با تبدیل شدن به کشیش، به خدمت خود ادامه داده‌اند. هیچ سندی یافت نشده است که مشخص ۱۵۳۲ کند آیا بارباها برای خدمت به جماعت‌های مشخص جغرافیایی مجدداً منصوب شده‌اند یا خیر. آنچه بیشتر قابل تشخیص است، تأثیر تلاش شدید برای تغییر شکل والدنسیان‌ها توسط کلیسای اصلاح‌شده در سوئیس در دهه ۱۵۴۰ است که شروع به اعزام تعداد قابل توجهی از کشیشان غیر والدنسیان آموزش‌دیده در حوزه علمیه ژنو برای رهبری مردم والدنسیان کرد.

اصلاح‌طلبان اولیه، والدنسیان‌ها را به عنوان کلیسای حقیقی می‌دیدند که خلوص رسولی خود را در ریشه‌های جنبش اصلاح حفظ کرده بود. به گفته گابریل اودیسیو، در یک دوره 30 ساله، کلیساهای اصلاح‌شده ژنو 60 کشیش را به تعداد نسبتاً کمی از کلیساهای والدنسیان در کوه‌های آلپ کوتیان فرستادند، در حالی که در همان زمان، در مجموع 80 کشیش را به جماعت‌های پروتستان در سراسر کشور فرانسه فرستادند. این تمرکز تلاش اهمیت والدنسیان‌ها را در نظر رهبران جنبش اصلاح نشان می‌دهد.

در نسل‌های بعدی، تعداد فزاینده‌ای از مردان والدنسیان برای آموزش در کلیساهای خود به ژنو رفتند، اما با وجود این تغییرات در رهبری، یک چیز ثابت ماند. رهبری قوی کشیشی در برابر موج‌های پی در پی آزار و اذیت جامعه ایمانی والدنسیان، نیروی اصلی بود که انسجام و دوام این جنبش را حفظ کرد. این منبع تداوم به والدنسیان‌های پیش از اصلاحات برمی‌گردد و تا دوران مدرن ادامه دارد.

برجسته‌ترین نمونه، کشیش والدوسیایی، هنری آرنو، است. در تاریک‌ترین روزهای اواخر قرن هفدهم، آرنو مردان والدوسیایی را در طول تبعیدشان به ژنو در سال ۱۶۸۶ سازماندهی کرد و به یک نیروی رزمی کوچک اما بسیار مؤثر تبدیل شد. آرنو ارتش کوچک ۹۰۰ نفره تبعیدی خود را در سال ۱۶۸۹ از ژنو، سوئیس، در لشکرکشی برای بازپس‌گیری سرزمین‌هایشان رهبری کرد، لشکری که به عنوان بازگشتی باشکوه شناخته می‌شود و نتیجه آن پیروزی والدوسیایی‌ها بر ارتش‌های ترکیبی ۲۰۰۰۰ نفری از فرانسه و ساووی بود.

با وجود موفقیت آنها، ۱۰ سال بعد، پادشاه فرانسه ۳۰۰۰ نفر از والدنسیان را از دره چیسونه به تبعید به آلمان پروتستان مجبور کرد. آرنو بار دیگر این افراد را در تبعید رهبری کرد و به بسیاری از آنها کمک کرد تا در جامعه همسایه در منطقه دارمشتات-هسه آلمان مستقر شوند. رهبری آرنو برای موفقیت این مهاجرت و ۱۰ تداوم ایمان والدنسیان بسیار مهم بود.

کشیشانی مانند آرنو اغلب عامل اتحاد مردم والدنسیان در مواجهه با آزار و اذیت‌های شدید بودند. نمی‌توان اهمیت تداوم ساختار سازمانی والدنسیان را در تضمین هویت و بقای آنها نادیده گرفت. جلسات سالانه شورای کلیسای والدنسیان، که طی آن کشیشان هر جامعه مذهبی والدنسیان برای بحث در مورد امور کلیسا گرد هم می‌آمدند، عامل مهمی بود که به آنها کمک کرد تا هویت و ارتباط خود را با اجداد پیش از اصلاحاتشان حفظ کنند.

رهبری ساختاری کلیسای والدنسیان از قرن سیزدهم، با شروع شورای برگامو در سال ۱۲۱۸، وجود داشت و هر ساله در جلسات شورای کلیسا تقویت می‌شد. سازمان آن به عنوان منبع قوی تداوم عمل می‌کرد که شاهد والدنسیان اصلاح‌شده را با ریشه‌های پیش از اصلاحات آن پیوند می‌دهد. در طول اصلاحات متقابل اواخر قرن شانزدهم تا هفدهم بود که رهبران آنها با مطرح کردن منظم تشابهات کتاب مقدس که با رنج‌ها و تبعید قوم عبری عهد عتیق و کلیسای اولیه در عهد جدید که خود را اسرائیل آلپ می‌نامیدند، مرتبط بود، شروع به تسلای خاطر کردند.

یافتن قدرت معنوی با ادعای نزدیکی به جوامع ایمانی تحت آزار و اذیت دوران باستان، به والدنسی‌های تحت آزار و اذیت قرن هفدهم، هویتی بخشید که نه تنها با اسرائیل باستان و کلیسای اولیه، بلکه با همان خدایی که

با محبت، قوم تحت آزار خود را برای هزاران سال هدایت کرده و به پیش برده بود، همسو بود. والدینسی‌ها با این اطمینان که به عنوان قوم عهد خدا، بر بی‌عدالتی‌های اعمال شده علیه خود غلبه خواهند کرد و شهادت‌های وفادارانه خود را به روش‌هایی غیرقابل پیش‌بینی محقق خواهند ساخت، قدرت معنوی و اخلاقی زیادی کسب کردند. این باور اساسی پشت هویت قوم وفادار خدا بودن، از زمان ظهور آزار و اذیت‌ها در نیمه دوم قرن سیزدهم تا دوران اصلاحات و تا طلوع عصر مدرن، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد.

هویت والدوسیان‌ها به عنوان مردمی با ایمان، با پیوستنشان به جنبش اصلاحات متوقف نشد، بلکه به تکامل و سازگاری خود برای مواجهه با آزار و اذیت‌ها و چالش‌هایی که در هر عصری تا به امروز با آن مواجه بودند، ادامه داد. گذشته هرگز نمی‌میرد. حتی گذشته هم نیست.

این روحیه سرسخت و ایمان راسخ به عیسی مسیح، امروز صبح به والدنسیان‌های حاضر در این جمع منتقل شده است. قدرت اراده، پشتکار، استقامت و تعهد شدید والدنسیان‌ها به جامعه، نقاط قوتی هستند که ده خانواده اول والدنسیان را که در ۲۹ مه ۱۸۹۳ از قطار آلدی کارولینای شمالی پیاده شدند، با سند زمین هکتاری و کوهی از بدهی برای بازپرداخت، همراهی و هدایت کردند. اینها نقاط قوتی هستند که آن ۱۰۰۰۰ مهاجران اولیه را برای مدت ۴۰ سال به ایجاد شهری با صنعت پررونق و منبع ثبات مالی برای هزاران شهروند منطقه‌ای در طول رکود بزرگ سوق داد.

اینها نقاط قوتی هستند که امروزه می‌توان در جماعتی دید که با فداکاری خود برای خدمت به مسیح و قوم، مسیح، نه تنها در داخل جماعت ما، بلکه فراتر از درهای ما، به سوی قوم خدا، چه نزدیک و چه دور شناخته می‌شود. چگونه می‌توانیم یکپارچگی میراث ایمانی خود را حفظ کنیم؟ این همان چالشی است که امروز با آن روبرو هستیم. ما به احتمال زیاد به خاطر باورهایمان مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیریم، اما نیاز به هدایت میراث خوب خود در حالی که با جسارت به عنوان شاهد وفادار مسیح خدمت می‌کنیم، همچنان پابرجاست. دعوت مداوم ما برای گذشته هرگز از بین نرفته است.

حتی گذشته است. به نام پدر و پسر روح القدس. آمین.

این دکتر کوین فردریک است که در حال تدریس تاریخ والدنسیان است. این جلسه هشتم، پیوستن به جنبش اصلاحات، یک شهادت مداوم است.